



دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

موضوع:

بررسی سیاستگذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران سازندگی (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶)

استاد راهنما:

جناب دکتر صادق زیباکلام

استاد مشاور:

جناب دکتر ابراهیم متقی

دانشجو:

جبار فتاحیان

پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه ای

(سیاستگذاری عمومی)

زمستان ۱۳۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیر و تشکر

هر پژوهشی مجموعه دستاوردهایی است که گرچه به نام یک محقق به ثبت می رسد اما در واقع حاصل تلاش و مشارکت تعداد قابل توجهی از افراد و نهادهاست. بدون شک به پایان رساندن این پژوهش نیز محصول تشویق و دلگرمی های کسانی بوده است که بدون آنها این کار هرگز به بار نمی نشست لذا بر خود واجب می دانم قبل از هر چیز با سپاسی از خداوند سبحان، از بزرگوارانی که در نگارش این تحقیق نقش داشته اند یاد و سپاسگزاری کنم. این پژوهش مدیون مساعدت اساتید بزرگوارانی است که همواره با حوصله و دقت لازم در به انجام رساندن نهایی این کار مؤثر واقع شده اند به طوری که از طریق واژه ها قابل انتقال نیست و فقط می توان گفت که تأثیر وجودی آنها هرگز به دست فراموشی سپرده نخواهد شد. در صدر این فهرست اساتید محترم راهنما، مشاور و داور قرار دارند لذا بر خود فرض می دانم از این اساتید بزرگوار جناب آقای دکتر صادق زیباکلام استاد راهنما و جناب آقای دکتر ابراهیم متقی استاد مشاور و جناب دکتر سید حسین سیف زاده استاد داور و کلیه اساتید رشته سیاستگذاری عمومی که یافته هایم مدیون تلاش آنهاست کمال تشکر و قدردانی را بنمایم.

چکیده

هدف از پژوهش حاضر مطالعه علمی و بررسی سیاستگذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران سازندگی (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶) می باشد به گونه ای که بتوانیم به فهم واقع بینانه ای از رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مقطع مورد نظر برسیم و همچنین دچار تقلیل گرایی نشویم. در این تحقیق در فصل اول به بیان مفاهیم و کلیات موضوع پرداختیم و در واقع ما دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که گرایش ایران در پایان جنگ تحمیلی، در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ به همکاری با نظام بین المللی و سازمان های منطقه ای و بین المللی متأثر از کدام عوامل بود. فرضیه ای که ما مطرح کردیم در پاسخ به سؤال پژوهش اینست که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در آغاز دوران سازندگی متأثر از تحولات ایجاد شده در نظام بین المللی و همچنین نیازها و مشکلات در عرصه داخلی کشور، به سمت همکاری و تعامل با نظام بین المللی گرایش پیدا کرد. در این تحقیق از چهارچوب نظری ساختار- کارگزار در سطح نظام بین المللی و نیز از نظریه وابستگی متقابل در سطح منطقه ای استفاده کرده ایم. بر اساس مدل بیان شده، در فصل دوم تأثیر و نقش ایدئولوژی اسلامی در شکل دهی به باورها و ارزش های کارگزار، راهبردها، نقش ها و اهداف سیاست خارجی ایران مورد بررسی قرار گرفته است و مشخص گردیده که کارگزار سیاست خارجی برای خود نقش ها، تعهدات و اهداف خاصی قائل است که در شکل دهی به رفتارهای آن نقش اساسی را ایفا می کند. این رفتارها در سطح ساختاری نظام بین الملل به صورت مبارزه با ساختار نظام بین الملل دوقطبی امریکا و شوروی سابق مورد بررسی قرار گرفته و در سطح ساختاری منطقه ای به حمایت ایران از نظام امنیت منطقه ای بدون حضور نیروهای بیگانه و مخالفت با فرایند صلح خاورمیانه پرداخته شده است. در فصل سوم پایان نامه نیز به شرایط و اوضاع اقتصادی و سیاسی داخلی کشور و تأثیر آن بر سیاست خارجی و ساختار نظام بین الملل پس از پایان جنگ تحمیلی و آغاز دوران سازندگی پرداخته است. در فصل چهارم نیز تأثیرات ساختار نظام منطقه ای و بین المللی بر سیاست خارجی ایران بررسی شده و فصل پنجم پایان نامه نیز

تحولات در سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی و روابط و تعامل آن با کشورها و سازمانهای منطقه ای و بین المللی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است در فصل ششم هم از موضوع مطرح شده نتیجه گیری شده است.

واژه های کلیدی: سیاست خارجی - دولت سازندگی - ساختار نظام بین الملل

فهرست

۵.....	چکیده
۱۱.....	مقدمه
۱۳.....	طرح مسئله
۱۶.....	سؤال تحقیق
۱۶.....	فرضیه تحقیق
۱۶.....	اهداف تحقیق
۱۷.....	متغیرهای پژوهش
۱۷.....	پیشینه پژوهش
۲۰.....	قلمرو زمانی تحقیق
۲۰.....	روش پژوهش
۲۰.....	سازماندهی پژوهش
۲۱.....	چارچوب نظری
۲۱.....	گفتار اول: ساختار - کارگزار
۲۳.....	۱) روش فردگرایی
۲۳.....	۲- روش ساختارگرایی:
۲۴.....	۳- روش ساخت یابی
۲۶.....	کاربرد نظریه ساختار - کارگزار در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
۲۸.....	گفتار دوم: نظریه وابستگی متقابل
۳۰.....	۱- ریچارد روز کرانس
۳۰.....	۲- جیمز روزنا

۳۰	۳- کوهین و نای
۳۲	فصل دوم: نقش ایدئولوژی در سیاست خارجی
۳۳	مقدمه:
۳۳	۲-۱- مفهوم ایدئولوژی
۳۴	۲-۲- ویژگی های ایدئولوژی
۳۵	۲-۳- کاربردهای ایدئولوژی
۳۵	۲-۴- ایدئولوژی اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
۳۶	الف- صف آرایی
۳۷	ب) موضع گیری
۳۷	ج) ادراک
۳۷	۲-۵- عوامل موثر بر شکلگیری سیاست خارجی ایدئولوژیک بعد از پیروزی انقلاب اسلامی
۳۷	الف) ایدئولوژی اسلامی و نظام باورها
۳۹	ب) سنت تاریخی و رفتاری جامعه ایران
۴۰	ج) نقش رهبری
۴۰	
۴۰	د) گفتمان اسلامی- انقلابی
۴۱	ت) نظام بین المللی:
۴۱	۲-۶- اصول سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی ایران
۴۲	۲-۷- اصل تغییر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
۴۲	الف) سیاست خارجی ایران به نظام اقتصادی و روابط خارجی اقتصادی ایران متصل نیست
۴۳	ب) ماهیت قدرت در جمهوری اسلامی عقیدتی است و در نتیجه سیاست خارجی نیز عقیدتی است
	ج) مانند بسیاری از کشورهای دیگر حفظ حاکمیت موجود در جمهوری اسلامی با حفظ سیاست خارجی موجود آن ارتباط مستقیمی دارد
	د) مشروعیت امنیت ملی در نظام جمهوری اسلامی به اصول فعلی سیاست خارجی کشور گره خورده است
۴۵	
۴۶	۲-۸- نقش ایدئولوژی در سیاست خارجی و پیوند آن با آرمانگرایی
۴۶	الف) پیوند ایدئولوژی و آرمانگرایی در سیاست خارجی
۴۷	ب) مصادیق ایدئولوژیک رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

۴۹	۲-۸- نظریات ایدئولوژیک و مکتبی در سیاست خارجی.....
۴۹	الف) نظریه أم القراء.....
۴۹	ب) نظریه عملگرایی در قالب اسلام.....
۵۰	ج) تز حکومت عملی اسلام.....
۵۰	د) نظریه انجام تکلیف.....
۵۰	۲-۱۰- نقش ایدئولوژی اسلامی در راهبردهای سیاست خارجی.....
۵۱	۲-۱۱- رابطه ایدئولوژی اسلامی و نقشهای ملی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران.....
۵۱	الف: مدافع اعتقادی خاص.....
۵۱	ب: دولت الگو (سرمشق).....
۵۱	۲-۱۲- نقش ایدئولوژی اسلامی در اهداف و رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران.....
۵۲	۲-۲- اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران.....
۵۲	الف: اهداف ملی(حیاتی).....
۵۲	۱- حفظ استقلال کشور.....
۵۳	۲- حفظ مرزها و تمامیت ارضی کشور.....
۵۳	ب) اهداف فراملی.....
۵۴	۱- حکومت جهانی اسلام.....
۵۴	۲- حمایت از ملل محروم و مستضعف.....
۵۵	۳- دعوت.....
۵۵	۴- همزیستی مسالمت آمیز و صلح جویی.....
	<u>فصل سوم</u> : تأثیر عوامل و شرایط داخلی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران سازندگی
۵۷
۵۸	مقدمه.....
۵۸	سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۰.....
۶۱	سیاست خارجی ج.ا.ایران بین سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸.....
۶۳	۳-۱- عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران سازندگی.....
۶۳	۳-۱-۱- پایان جنگ هشت ساله.....
۶۴	۳-۱-۲- اوضاع اقتصادی.....
۶۸	۳-۲- رؤوس اصلاحات اقتصادی.....
۷۰	۳-۳- موانع و مشکلات سیاست اقتصادی دولت سازندگی.....
۷۰	۳-۳-۱- مشکلات داخلی.....

۷۰ ۳-۳-۲- مشکلات خارجی
۷۱ ۳-۳-۳- مسائل امنیتی و نظامی و تأثیر آن بر سیاست خارجی
۷۲ ۳-۳-۴- تغییر رهبران و تصمیم گیرندگان
۷۳ ۳-۳-۵- ژئوپلتیک و تأثیر آن در سیاست خارجی دوران سازندگی
۷۳ ۳-۴- شرایط سیاسی و روابط دیپلماتیک کشور پس از جنگ
۷۹ (۱) عمل گرایی در سیاست خارجی
۸۱ (۲) جهت گیری سیاست خارجی در دوران سازندگی
۸۲ ۳-۴- گفتمان سیاست خارجی در دوران سازندگی
۸۳ ۳-۵- تأثیر سیاست خارجی بر ساختار نظام منطقه ای و بین المللی
	<u>فصل چهارم : تأثیر عوامل منطقه ای و بین المللی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران</u>
۹۰ سازندگی
۹۱ مقدمه
۹۱ ۴-۱- عوامل منطقه ای تاثیرگذار بر سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی
۹۱ (۱) تجاوز عراق به کویت
۹۲ (۲) پایان جنگ دوم خلیج فارس و شکست نظامی عراق
۹۴ (۳) استراتژی مهیار دوگانه
۹۷ الف) قانون داماتو
۹۹ (۴) جنبش های اسلامی
۱۰۰ (۵) اسرائیل
۱۰۰ (۶) فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی (پایان نظام دوقطبی) و تأثیر آن بر سیاست خارجی ایران
۱۰۲ (۷) نظام بین الملل بعد از فروپاشی سیستم دوقطبی
۱۰۳ ۴-۲- ساختار جدید نظام بین الملل
۱۰۴ (۱) روسیه
۱۰۴ (۲) ژاپن
۱۰۵ (۳) اروپای واحد
۱۰۶ (۴) امریکا پس از جنگ سرد
۱۰۷ (۵) موقعیت ایران در نظام بین الملل بعد از فروپاشی نظام دوقطبی
۱۰۸ (۶) امریکا و تلاش برای ایجاد نظم نوین جهانی
۱۰۹ (۷) جهانی شدن
۱۱۴ فصل پنجم

فصل پنجم : تحولات در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران سازندگی.....	۱۱۴
مقدمه.....	۱۱۵
۱-۵- روابط جمهوری اسلامی ایران با سازمانهای بین المللی در دوران ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی. (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶).....	۱۱۵
مقدمه.....	۱۱۶
۱-۱-۵- روابط با اكو در دوران سازندگی.....	۱۱۷
۲-۱-۵- روابط ایران با سازمان کنفرانس اسلامی در دوران سازندگی (۱۳۶۸-۱۳۷۶).....	۱۲۰
۳-۱-۵- روابط با اوپک در دوران سازندگی.....	۱۲۳
۲-۵- روابط ایران و اتحادیه اروپا در دوران سازندگی (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶).....	۱۲۵
مقدمه.....	۱۲۵
۱-۲-۵- عوامل موثر در ایجاد زمینه های مناسبات میان ایران و اروپا.....	۱۲۷
۱- مسئله گروگانهای غربی در لبنان.....	۱۲۷
۲- بحران خلیج فارس (جنگ کویت).....	۱۲۷
۳- مسئله تأمین امنیت جمعی در منطقه خلیج فارس.....	۱۲۸
۴- مسأله آوارگان عراقی.....	۱۲۸
۴- نیازهای متقابل ایران و اروپا در زمینه اقتصادی.....	۱۲۹
۵- اجلاس ادینبورگ و موضوع رابطه با ایران.....	۱۳۲
۲-۲-۵- روابط ایران و اروپا با توجه به نقش آمریکا در نظام بین الملل.....	۱۳۵
۳-۲-۵- موضوعات مورد اختلاف ایران و اروپا در دوران سازندگی.....	۱۳۹
۴-۲-۵- واکنش ایران در برابر سیاست تحریمهای آمریکا.....	۱۳۹
الف- ژاپن.....	۱۴۰
ب : روابط با چین.....	۱۴۱
ج: روابط با روسیه.....	۱۴۲
۳-۵- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در روابط با کشورهای شمالی ایران در دوران سازندگی.....	۱۴۳
مقدمه:.....	۱۴۳
۱-۳-۵- استقلال جمهوری های آسیای مرکزی و قفقاز و تأثیر این جمهوری ها بر ایران.....	۱۴۵
الف: امکانات:.....	۱۴۵
ب: محدودیتها و چالشها.....	۱۴۶
۲-۳-۵- روابط سیاسی ایران با کشورهای آسیای میانه و مشکلات پیشروی آن.....	۱۴۶

۱۵۰	۳-۳-۵-روابط اقتصادی ایران و جمهوریهای تازه استقلال یافته از شوروی در دوران سازندگی.
۱۵۶	۳-۴-۵-سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با کشورهای جنوبی ایران در دوران سازندگی
۱۵۸	۳-۵-۵-روابط ایران و کویت در دوران سازندگی
۱۶۰	۳-۶-۵-روابط ایران و شورای همکاری خلیج فارس در زمینه انرژی در دوران سازندگی
۱۶۲	۳-۷-۵-روابط ایران و عربستان سعودی در دوران سازندگی
۱۶۷	فصل ششم
۱۶۷	<u>فصل ششم : نتیجه گیری</u>
۱۷۹	منابع و مأخذ:

مقدمه:

سیاست خارجی استراتژی یا خط مشی هایی است که توسط تصمیم گیران یک کشور در رابطه با سایر دولت ها یا موجودیت های بین المللی طرح ریزی می شود و منظور از آن دستیابی به اهداف ویژه ای است که بر پایه منافع ملی تعریف و مشخص می شود و عبارتست از روند پویایی که به وسیله آن تفسیرهای نسبتاً ثابت از منافع ملی با عوامل و شرایط بسیار متغیر بین المللی منطبق می شود تا خط مشی یا مسیر حرکت مشخص می شود ... (پلانو و التون؛ ۱۳۷۵ صص ۱۰-۱۲)

هیچ یک از جنبه های سیاست سازی مانند سیاست خارجی شگفت آور نیست و هرچه وابستگی متقابل در جهان افزایش می یابد عاملان تصمیم گیری نیز بدون اینکه همواره دارای وابستگی متقابل باشند افزایش یافته و پیچیده تر می شود. در تعیین و اجرای سیاست خارجی هر کدام از بازیگران نظام بین الملل عوامل کمی و کیفی متفاوتی دخیل هستند و این عوامل ممکن است به صورت دایره هایی هم کانون بوده و در مرکز عواملی وجود داشته باشد که از ویژگی های مادی برخوردار بوده و جنبه کمی دارند و گونه دیگر جنبه کیفی داشته و ممکن است شامل خصوصیات اخلاقی و بافت اجتماعی و ساخت سیاسی باشد. کشورها با توجه به موقعیت جغرافیایی و به تناسب نیازهای داخلی و ساختار نظام بین المللی همواره جهت دستیابی به منافع ملی این عوامل را مورد استفاده قرار داده و از استراتژی های مختلفی بهره می برند. در رابطه با اتخاذ سمت گیری دولت ها در عرصه بین الملل باید اشاره کرد که در دنیای وابستگی متقابل تمام واحدهای سیاسی از لحاظ اجتماعی به گونه ای پیچیده خواه ناخواه با یکدیگر در ارتباطند لذا در این حالت اتخاذ استراتژی ها و سیاست های انزوطلبی و دوری گزیدن و پافشاری بر ایدئولوژی های جزم گونه اهمیت خود را از دست داده است و سیاست های مشارکتی و همکاری همه جانبه جهت رسیدن به توسعه ای پویا و پایدار لازم می باشد.

در نظام هرج و مرج گونه بین الملل، تأمین امنیت و ایجاد شرایط مناسب برای رشد و توسعه ی اقتصادی کشور از جمله کار ویژه های سیاست خارجی قلمداد می شود. از آنجا که نظام ملت- دولت (نظام وستفالی) بر روابط بین الملل حاکم است، شکل گیری و استقرار حکومت هایی که بر اساس اصول

جهان شمول طرح جامعه جهانی آرمانی را برای بشریت ارائه می دهند با موانعی مواجه است. در این بین استقرار حکومت جمهوری اسلامی ایران که متکی بر مواضع ایدئولوژیکی انقلابی است و خواهان تحقق جامعه ی مطلوب جهانی می باشد از این قاعده مستثنی نیست. جمهوری اسلامی ایران برعکس رژیم پهلوی که در سیاست خارجی متکی بر الگوی ائتلاف و اتحاد با غرب بود استراتژی و جهت گیری عدم تعهد را در پیش گرفت و در واقع با وقوع انقلاب ۵۷ هم زمان با تغییر و تحولات داخلی، به گونه ای اجتناب ناپذیر سیاست خارجی ایران و هنجارهای آن نیز دگرگون شد. جمهوری اسلامی ایران بر پایه ی «امت» که بر اعتقادات مذهبی و سعادت مسلمانان در سراسر جهان اسلام استوار است، مرزهای سرزمینی دولت ها را در نظام ملت- دولت به چالش طلبیده است و این امر برای کارگزاران جمهوری اسلامی، به ویژه دست اندرکاران سیاست خارجی، جهت تأمین منافع ملی و تحقق مصالح امت اسلامی مسائل جدیدی ایجاد کرده است. از سوی دیگر انقلاب ایران یک انقلاب ایدئولوژیک بود به همین دلیل عناصر و مؤلفه های ایدئولوژیک در ساختار قدرت در ایران نفوذ پیدا کرد و به همین دلیل، جهت گیری های سیاست خارجی جمهوری اسلامی هم به شدت ایدئولوژیزه شد و مبنای دوستی، خصومت، سیاست همکاری جویانه و حتی الگوهای تعارضی در برخورد با گروه ها و واحدهای سیاسی ناشی از رهیافت ایدئولوژی حاکم بر نظام سیاسی ایران و دوران پس از انقلاب می باشد. هر آنچه در سیاست خارجی ایران شکل گرفت دارای بنیادهای ایدئولوژیک بوده و بر اساس آن ایستارهای ذهنی لازم در نگرش و رفتار سیاست گزاران خارجی تجلی پیدا کرد. به همین دلیل بود که در قانون اساسی جمهوری اسلامی عدم تعهد و عدم وابستگی به بلوک های شرق و غرب به عنوان استراتژی یگانه ایران در حوزه سیاست خارجی مورد پذیرش قرار گرفت. با توجه به هم زمانی اتخاذ این استراتژی با دوران نظام دوقطبی و همچنین هماهنگی آن با پارادایم حاکم بر روابط بین الملل مشکل چندانی در روابط ایران با سایر کشورهای جهان به وجود نمی آمد البته نباید فراموش کرد که ساختار نظام بین الملل در این مقطع زمانی دوقطبی منعطف بود لذا فعالیت های خارج از چهارچوب اتحاد با بلوک شرق و غرب مورد پذیرش قرار گرفته بود. اما با پایان نظام دوقطبی، شرایط بین المللی برای روابط بین کشورها و سیاست خارجی شان دگرگون شد. نظام جمهوری اسلامی ایران در تأمین منافع ملت ایران و امت اسلامی در دوران استقرار خویش میان این دو در نوسان بوده است. در یک دوره، مواضع ایدئولوژیک بر ملاحظات اقتصادی اولویت داده می شد و در دوره ای دیگر میان آن دو تعادل ایجاد می گردید. به آن معنی که در مواجهه با مسائل پیش رو سعی می شد در میان مصلحت انقلاب و نیازهای توسعه ی ایران، توازن برقرار شود. به این سان می توان در دوران جمهوری اسلامی تمایزاتی را در نحوه ی حصول منافع ملی و مصالح امت اسلامی دریافت.

پس از آنکه استعفای دولت موقت پایان بخش «حاکمیت دوگانه» و مقدمه انسجام یکپارچه ی نیروهای انقلابی گردید، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دهه نخست بیشتر به مسئولیت نخست

بیشتر به مسولیت خویش یعنی «بیداری اسلامی» و «تشکیل امت واحده اسلامی» تأکید می‌ورزید و مواضع ایدئولوژیک و انقلابی بر تأمین منافع ملی در چهارچوب مرزهای سرزمینی ترجیح داده می‌شد. بر این اساس، از یک سو شرایط داخلی که توأم شور و حال انقلابی و حماسه‌ی دفاع مقدس بود و از سوی دیگر، شرایط بین‌المللی که با استقرار نظام دوقطبی در قالب اردوگاه‌های شرق و غرب به رهبری اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده‌ی آمریکا همراه بود، چنین جهت‌گیری را در سیاست خارجی تجویز کرد اما با تغییر و دگرگونی محیط داخلی و بین‌المللی بازنگری در جهت‌گیری سیاست خارجی ضرورت یافت.

طرح مسئله:

در تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی جهان مقاطعی یافت می‌شود که با ویژگی‌ها و خصوصیات نوین و متمایز از دوره قبل می‌تواند سرآغاز و شروع فصل جدیدی گردد در چنین نقاط عطفی از تاریخ، کشورها و جوامع به نسبت گستردگی و ابعاد رخداد به وقوع پیوسته و نیز به فراخور نزدیکی یا دوری از کانون حوادث از آن متأثر می‌شوند. البته رفتار عقلانی ایجاب می‌کند که کشورها و جوامع از حوادث و رخداد ایجاد شده بهترین بهره‌برداری و کمترین خسارت را تحمل کنند. بی‌اغراق می‌توان گفت که اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۹۰ میلادی یکی از مقاطع مهم تاریخ در سیاست و روابط بین‌الملل است و این مقطع تاریخ برای کشور ما از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است چرا که در این فصل از تاریخ رخدادهای مهمی در ابعاد منطقه‌ای و جهانی به وقوع پیوسته است که به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر منافع و امنیت ملی تأثیر گذاشته است از آن جمله پایان جنگ هشت ساله، فروپاشی شوروی و پایان نظامی دوقطبی، اقدام آمریکا و متحدینش در بیرون راندن عراق از کویت و تلاش ایالات متحده در مهار دوگانه ایران و عراق و همچنین کوشش این کشور در ایجاد نظم نوین جهانی و ایجاد نظام تک‌قطبی. این تحولات ساختاری در نظام بین‌المللی و منطقه‌ای و آثار و عواقب آن سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی را به سمت استراتژی چندجانبه‌گرایی سوق می‌داد تا به این طریق با دشمنی آمریکا مقابله نموده و بر محدودیت‌ها و موانع ناشی از آن غلبه نماید و از عمده‌ترین ویژگی‌های نظام بین‌الملل در حال گذر، که همانا منطقه‌گرایی و یارگیری بود در جهت تقویت استراتژی چندجانبه‌گرایی بهره‌بگیرد.

در واقع دوران سازندگی (۱۳۶۸-۱۳۷۶) یکی از دوره‌های مهم در تاریخ جمهوری اسلامی ایران است و در این مقطع تاریخی مسئولان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ رویکرد عملگرایی به تعاملی‌سازنده با جهان خارج در عین پایبندی به اصول‌گرایی اسلامی، اقدام نمودند البته روی آوردن به عملگرایی و واقع‌گرایی در سیاست خارجی در اواخر جنگ و اوایل دوران سازندگی ناشی از عوامل

دیگری همچون مشکلات و نیازهای اقتصادی و خروج از انزوای منطقه ای و بین المللی نیز بود اگر بخواهیم ضرورت اتخاذ واقع گرایی و در پیش گرفتن تنش زدایی را در سیاست خارجی درک کنیم بایستی به دوران قبل از سازندگی و جهت گیری های سیاست خارجی و خصوصیات و ویژگی های آن دوران توجه کنیم. در واقع با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ سیاست خارجی آن با تحولات اساسی مواجه شد و سیاست خارجی بر اساس اصل نه شرقی نه غربی با ساختار نظام بین الملل دوقطبی و وضع موجود مخالفت نمود و از آنجا که امریکا و شوروی در رأس نظام دوقطبی قرار داشتند، انقلاب اسلامی اساساً با آنها سر سازگاری نداشت و روابط با آن دو، بعد از مدتی تیره شد. روابط با امریکا که متعاقب بحران گروگانگیری و مسائل و مشکلات ناشی از آن قطع شد و روابط با شوروی هم به خاطر اختلاف در مورد بهای گاز صادراتی و قطع صدور گاز ایران به شوروی، مسأله دخالت نظامی شوروی در افغانستان، دخالت شوروی در ایران در حمایت از حزب توده و احساس نگرانی شوروی از تأثیر انقلاب اسلامی بر مسلمانان شوروی تیره شد. روابط ایران با متحدان دو ابرقدرت در منطقه یعنی اعراب و اسرائیل در طول دوران دولت موقت و دوران ۸ ساله جنگ هم متزلزل بود و مسأله مخالفت ایران با اسرائیل و حمایت از گروه های مخالفت آن رژیم اشغالگر از نظر ساختار نظام بین الملل و بعضی کشورهای محافظه کار عرب در منطقه به منزله به هم ریختن وضع موجود و مورد قبول آن ابرقدرت ها بود. در واقع جنگ عراق علیه ایران و تحریم های اقتصادی قبل و بعد از جنگ علیه ایران به منزله مهار ایران برای جلوگیری از اقدامات آن در به هم زدن نظم بین المللی و همچنین ممانعت از اقدامات ضد هژمون ایران بود و به طور کلی انقلاب ایران چالش نوینی برای نظام بین المللی محسوب می شد مخالفت با ساختار نظام بین الملل دوقطبی و سلطه قدرت های بزرگ بر سازمان های بین المللی به ویژه سازمان ملل متحد و مخالفت با اسرائیل و روند سازش و صلح خاورمیانه، حمایت از ملل محروم، اشغال سفارت امریکا و نگه داشتن گروگان ها به مدت ۴۴۴ روز و مخالفت با مبادله نابرابر کالا و اطلاعات و اخبار در جهان و مبارزه با ستمگری قدرت های بزرگ باعث ظهور جریان مخالف با نظام بین الملل گردید و در این راستا فشارهای بین المللی و انواع محدودیت ها برای نظام جمهوری اسلامی ایران گردید و تحریم های اقتصادی، نظامی و سیاسی را می توان واکنش نظام بین الملل در برابر چالش ایران دانست.

خاتمه جنگ ایران و عراق نقطه عطفی در سیاست خارجی ایران محسوب می شد زیرا با تغییر شرایط داخلی، منطقه ای و بین المللی، جمهوری اسلامی می توانست با بهره برداری از شرایط جدید بین المللی به سمت همکاری با کشورهای منطقه ای و فرامنطقه ای و برقراری روابط با ثبات حرکت کند. عامل تاثیرگذار دیگر، پایان جنگ سرد و فروپاشی نظام قطبی بود. در واقع برعکس دوران نظام دوقطبی که ایران به شدت تحت فشار بود و به خاطر سیاست خارجی آرمان گرایی که مورد قبول دو ابرقدرت و متحدانش نبود و نیز هماهنگی گاه و بیگاه دو ابرقدرت برای اعمال فشار بر نظام جمهوری

اسلامی و جلوگیری از تحرکات منطقه ای و فرامنطقه ای آن، ایران فرصت چندانی برای واکنش در برابر آنها و استفاده از موقعیت هایش نداشت، اما پایان نظام دوقطبی و دگرگونی شرایط جهانی دو پیامد مهم را به دنبال خود داشت: اولاً رقابت جهانی در عرصه نظامی، استراتژیک عمدتاً به سوی حوزه هایی چون اقتصاد، تکنولوژی، تجارت و مسائل مالی تغییر جهت یافت. ثانیاً؛ رقابت جدید اقتصادی برخلاف رقابت دوگانه ژئواستراتژیک یک رقابت چندگانه است که بین مراکز عمده اقتصادی در امریکا، اروپا و آسیا در حال شکل گیری است و کشورها سعی دارند حوزه های فعالیت اقتصادی خود را در نزدیکی به یکی از این اتحادیه ها و مراکز اقتصادی نزدیک کنند.

در واقع مؤلفه اقتصادی در جهان بعد از جنگ سرد و فروپاشی شوروی از نقش تعیین کننده تری نسبت به مؤلفه های نظامی و سیاسی در زمینه تأمین منافع ملی برخوردار شد و کشورها جهت تأمین مصالح و منافع ملی خود توجه بیشتری به عامل اقتصاد نموده اند از امواجی که از تحولات ناشی از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد به وجود آمد همه کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار داد و ایران همچون کشورهای دیگر در صدد بررسی این تحول برآمد و تأثیرات و پیامدهای آن را مورد توجه قرار داد.

بنابراین «اجلاس تحولات در نظام بین الملل» در ۲۴ دی ماه ۱۳۶۸ در تهران تشکیل شد و در این اجلاس آقای دکتر علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران با اشاره به تحولات غیر منتظره معاصر گفتند: «به نظر می رسد بایستی برای روابط دوجانبه، روابط بین کشورها و مجامع بین المللی تعاریف جدیدی داشت چرا که بسیاری از استراتژی ها باید بازسازی شده و یا از نو ساخته شوند.» (ولایتی، روزنامه کیهان، ۱۳۶۸/۱/۲۵، ص ۳)

وی گفت: «باید ببینیم تعریف ما از قدرت چیست و آینده صحنه بین المللی را چگونه می بینیم و در حال حاضر کجا هستیم و برای رسیدن به هدف ایده آل خود چه راهی را پیش رو داریم.» (همان)

او سپس افزود احتمال درگیری های جهانی کمتر از گذشته است اما رقابت های اقتصادی با قوت ادامه خواهد یافت. در این جا باید دید تکلیف ما به عنوان جمهوری اسلامی ایران چیست؟ و لازم است با تکیه بر اصول انقلاب اسلامی این تحولات را مورد بررسی قرار دهیم و هرچه زودتر تکلیف خود را در دنیای درهم ریخته، در حال بازسازی و شکل گیری مشخص کنیم در غیر این صورت عقب خواهیم ماند. آقای هاشمی رفسنجانی هم با توجه به دگرگونی و تحولات جهانی و پایان جنگ سرد، بازنگری در روابط بین الملل و بین کشورها را ضروری می داند. وی در نماز جمعه ۷ مهر ۱۳۶۸ مجموعه شرایط بین المللی را تشنج زدایی خواند و تشنج زدایی در منطقه خلیج فارس را یک ضرورت جهانی قلمداد کرد. (هاشمی رفسنجانی؛ ۱۳۶۸/۷/۷)

وی همچنین در نطق خود در ششمین اجلاس سران کشورهای اسلامی در داکار پایتخت سنگال بیان داشتند: «کاهش تشنج میان قدرت های برتر صحنه بین المللی و سپری شدن دوران موسوم به جنگ

سرد، ورود جهان به عرصه جدیدی از روابط و همکاری های بین المللی، بر روابط میان کشورها نیز تأثیر گذاشته است و می تواند زمینه های نوینی را جهت کاهش منازعات بین المللی و افزایش روحیه تفاهم و همکاری به وجود آورد. (هاشمی رفسنجانی، روزنامه جمهوری اسلامی؛ ۱۳۶۷/۹/۲۰، ص ۱۵)

وی افزود با از هم گسیختگی نظام دوقطبی جهان و رفع نسبی رقابت هایی که همواره اصول منشور ملل متحد را تحت الشعاع قرار داده اند فرصتی برای پایه ریزی نظامی بر اساس اصول عدالت، صلح و امنیت، برابری و احترام متقابل به حاکمیت، تمامیت ارضی و ارزش های فرهنگی و معنوی کشورها و ملت ها فراهم شده است. (همان)

به همین منظور، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با توجه قطب های سیاسی و اقتصادی همچون اتحادیه اروپا (جامعه ی اقتصادی ۱۹۹۱) چین و روسیه، تلاش می کرد با دیپلماسی چندجانبه گرایي ضمن تأمین نیازهای کشور، سیاست مهار آمریکا و قانون داماتو را بی اثر کند. استراتژی چندجانبه گرایي که برآمده از عملگرایی دولت سازندگی بود، به گسترش روابط در سطوح کشورهای همسایه، منطقه ای و بین المللی انجامید. در همین راستا و برای ایجاد ثبات در منطقه ایران به گسترش روابط با کشورهای حاشیه خلیج فارس و از جمله عربستان سعودی همت گماشت و در این زمینه حمله عراق به کویت و محکوم کردن آن از جانب ایران به کاهش تضاد بین ایران و کشورهای منطقه و مجامع بین المللی و خروج ایران از انزوای بین المللی و منطقه ای کمک کرد.

سؤال تحقیق:

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در سال های پس از جنگ تحمیلی یعنی از ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ (دوران سازندگی) متأثر از کدام عوامل و شرایط به همکاری با کشورهای منطقه و جهان و سازمان های بین المللی گرایش پیدا کرد؟

فرضیه تحقیق:

سیاست خارجی در دوران سازندگی به دلیل شرایط جدید داخلی (نیازها و مشکلات اقتصادی و اولویت های پس از پایان جنگ) و تغییرات در ساختار نظام منطقه ای و بین المللی به همکاری با کشورهای شمال و جنوب و سازمان های منطقه ای و فرامنطقه ای روی آورد.

اهداف تحقیق:

هدف اصلی پژوهش حاضر مطالعه علمی و بررسی سیاستگذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران سازندگی (۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶) می باشد و نیز به فهم واقعه بینانه ای از رفتار سیاست خارجی در مقطع مورد بحث برسیم و دچار تقلیل گرایي نشویم.

متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل: شرایط محیطی (مقدورات و محدودرات ملی و بین‌المللی)
متغیر وابسته: نوع سیاست‌گذاری خارجی ایران در دوران سازندگی

پیشینه پژوهش

در خصوص سیاست و روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران کتب و مقالات زیادی نوشته شده، ولی هر کدام به جنبه خاصی از سیاست پرداخته‌اند و لذا تحقیقی که به طور مستقل به این موضوع بپردازد و آن را مطالعه کند دیده نمی‌شود.

یکی از منابع معتبر در زمینه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که به سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی هم‌نگاهی داشته کتاب «سیاست خارجی ایران» نوشته دکتر سید حسین سیف‌زاده است. ایشان تحلیل سیاست خارجی ایران را مورد توجه قرار داده و استراتژی «موازنه مثبت فعالانه» را به صورت رابطه قدرت با شمال و عدالت با جنوب ارائه می‌دهند و سپس بحث منافع ملی در سیاست خارجی ایران را در ابعاد مختلف مورد تحلیل قرار می‌دهند.

مورد بعدی کتاب «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» نوشته دکتر علیرضا ازغندی است. این کتاب به صورت مختصر سیاست خارجی ایران را در دوره‌های مختلف توصیف کرده و دیدگاه‌های حاکم و عوامل شکست و موفقیت آنها را بررسی می‌کند.

کتاب دیگر در زمینه سیاست خارجی، کتاب «چهارچوبی تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» است که توسط پروفیسور روح‌الله رضانی نوشته شده و حاوی مقالات متعددی بوده و ابتدا یک بحث نظری از سیاست خارجی در جوامع در حال‌نوسازی را بررسی نموده و سپس در مقاله‌های بعدی تغییر در جهت‌گیری‌های سیاست خارجی ایران را مطرح می‌کند. ولی توجهی به اصول سیاست خارجی و تحلیل آن ندارد.

اثر معتبر دیگر کتاب «سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی» نوشته انوشیروان احتشامی است که توسط دکتر ابراهیم متقی‌زاده و زهره پوستین‌چی ترجمه شده و این اثر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را از ابتدای انقلاب اسلامی تا اواسط دوران حکومت آقای هاشمی رفسنجانی بررسی کرده و به دوره‌های جمهوری‌های اول و دوم تقسیم نموده است. سپس این دوره‌ها را از ابعاد اقتصادی و سیاسی تحلیل نموده و راهبردهای دفاعی و امنیتی را توضیح داده است.

مورد دیگر کتاب «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران سازندگی» می باشد که توسط سعید یعقوبی نوشته شده است. وی در این کتاب پس از بیان اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، در فصل سوم به تأثیر محیط داخلی و بین المللی بر جهت گیری سیاست خارجی در دوران سازندگی می پردازد. در فصل چهارم به بررسی تحولات روابط خارجی ایران با جهان از جمله روابط با همسایگان و کشورهای منطقه ای و فرامنطقه ای اشاره می کند. یکی از آثار دیگر در این زمینه کتابی است با عنوان «ایران بر سر دوراهی» که توسط روح الله زمانی و جان اسپوزیتو گردآوری شده است از میان ده فصل کتاب، چهار مقاله به موقعیت ایران در سیاست بین الملل و سیاست خارجی این کشور اشاره می کنند. نویسنده فصل هفتم با عنوان سیاست خارجی ایران نسبت به روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز به بررسی سیاست خارجی عملگرایانه جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. از دید نویسنده، رفتار خارجی ایران در این منطقه تحت تأثیر چهار عامل یعنی جنبه های روسیه محور سیاست خارجی ایران، نقش اسلام، حضور دائمی امریکا در شکل دهی سیاست خارجی ایران و دیدگاه مبتنی بر مرکزیت ایران در شکل دهی به تحولات آسیای مرکزی و قفقاز قرار داشته است. فصل هشتم با عنوان «انقلاب ایران و سیاست بین الملل» به بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پرداخته و مدعی است که سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی بر اساس اسلام یا ایدئولوژی اسلامی قرار نداشته است.

اثر دیگر، کتاب افق های انقلابی: سیاست خارجی منطقه ای در ایران پس از خیمینی نوشته جان کالابریس که به بررسی روابط خارجی ایران در مقطع پس از وفات امام خمینی (ره) می پردازد. هدف اصلی کتاب بررسی مرزهای جغرافیایی سیاست خارجی منطقه ای ایران، معنا و اهمیت ایدئولوژیک آن، روند سیاست منطقه ای ایران و پیامدهای آن است. نویسنده از فصل سوم تا پنجم به سیاست خارجی ایران در منطقه عربی، آسیای مرکزی- قفقاز و پاکستان و افغانستان می پردازد.

ایران و جهانی شدن: چالش راه حل ها، اثری است از محمود سریع القلم که ضمن پرداختن به سیاست خارجی و مسائل آن، در پی بررسی و ارائه راهکار پیرامون نوع تعامل جمهوری اسلامی ایران با فرایند جهانی شدن است. سریع القلم در این جامعه جهانی مطرح می کند که مبانی قانون، قانون اساسی، هویت، نظام سیاسی و تجربیات منفی تاریخی با غرب محدودیت های بسیاری در پذیرش وجوه فرهنگی و سیاسی جهانی شدن پیش روی جمهوری اسلامی ایران و سیاست خارجی آن می گذرد.

کتاب «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» اثر سیدجلال الدین دهقانی فیروزآبادی است که در آن اهداف، اصول و ویژگی های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از دولت موقت تا دولت خاتمی را بررسی کرده و به جهت گیری ها و گفتمان های حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب می پردازد.

اثر دیگر «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ اصول و مسائل»، کتابی است که توسط منوچهر محمدی نوشته شده است. او در بخش اول این کتاب به اصول، روش ها و منافع ملی و ساختار تصمیم

گیری در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می پردازد که عمدتاً از منظر ایدئولوژیک به طرح بحث پرداخته است. در بخش دیگر کتاب، وی به مسائل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از زاویه تاریخی، ایدئولوژیک می نگرد.

احمدرضا بخشایش اردستانی در کتاب «اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در چهار دوره دولت موقت، جنگ، دوره سازندگی و نیز دوره تنش زدایی به شکل محدود و توصیفی مورد بررسی قرار داده است. ویژگی بارز کتاب مذکور، همچون بسیاری از کتاب ها و مقاله های دیگر در این زمینه شکل و روش توصیفی صرف و بررسی ویژگیهای سیاست خارجی ایران پس از انقلاب است.

اثری دیگر، «نظری به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، نیز عنوان کتابی است به تألیف جواد منصوری که با روشی کاملاً ایدئولوژیک و توصیفی به معرفی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و اصول و مسائل آن پرداخته است.

«سیاست خارجی ایران، چند گفتار در زمینه های نظری و عملی»، تألیف محمد کاظم سجادپور است که متشکل از مجموعه مقالاتی است که به مناسبت ها و زمان های مختلف در مجلات داخلی به چاپ رسیده و از دو بخش نظری و عملی تشکیل شده است. وی چنین بیان می کند که در بررسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نمی توان تنها به یکی از مکاتب و نحله های فکری مختلف روابط بین الملل و سیاست خارجی اکتفا کرد. سجادپور به عنوان یکی از شخصیت های علمی و اجرایی هرچند احتیاط امیز به نقد سیاست خارجی ایران پرداخته و پیشنهادهایی جهت رفع نابسامانی های حاکم بر سیاست خارجی ارائه می دهد. از آن جمله پیشنهاد می دهد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با هدف تأمین منافع و امنیت لازم از واکنش های انفعالی فاصله گرفته و نقش فعال تری در صحنه جهانی ایفا نماید.

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: بازبینی نظریه و پارادایم ائتلاف، اثری ارزشمند از محمود سریع القلم است که در آن به دنبال پیدا کردن پاسخ مناسبی برای این سؤال است که با توجه به ظرفیت و ماهیت جمهوری اسلامی ایران چه نوع ائتلاف و ترکیب تأمین کننده منافع ملی است؟ برای پاسخ به این سؤال سریع القلم با بهره گرفتن از نظرات واقع گرایانی چون مورگنتا و جیمز روزنا به بررسی میزان و قابلیت ائتلاف ایران با همسایگان جنوبی و شمالی و همچنین کشورهای اسلامی و شرقی می پردازد و به این نتیجه می رسد که به دلایل مختلف از جمله تناقض بین اصول قانون اساسی و عملکرد جمهوری اسلامی ایران در این چهار منطقه هیچ زمینه ای برای اتحاد ایدئولوژیک پایدار وجود ندارد. ایشان ضمن انتقاد از بی برنامگی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به بایدهای سیاست خارجی توجه داشته و در صدد ارائه روش های مناسب جهت ایجاد انتقاد میان اصول بنیادین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است.

قلمرو زمانی تحقیق:

محدوده زمانی تحقیق برای بررسی سیاستگذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران حکومت آقای هاشمی رفسنجانی (دوران سازندگی) در مقطع زمانی سال های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶ می باشد..

روش پژوهش:

روش پژوهش به صورت کیفی بوده و به نحوه توصیفی- تحلیلی می باشد. اما در این پژوهش توصیف پدیده مورد نظر با تکیه بر تجزیه و تحلیل وقایع صورت گرفته و سعی شده تا تحلیل منطقی از رویدادها ارائه گردد.

روش جمع آوری داده نیز به صورت کتابخانه ای بوده و با مطالعه اسناد و مدارک مربوطه سعی می شود تا اطلاعات به صورت نظامدار جمع گردد.

سازماندهی پژوهش:

این پژوهش در شش فصل ساختار بندی شده است بدین ترتیب که در فصل اول به بیان کلیات، مفاهیم و چهارچوب نظری پرداخته و در فصل دوم مهمترین ویژگی کارگزار سیاست جمهوری اسلامی بررسی می شود و از آنجا که سیاست خارجی ایران مبتنی بر آموزه ها و دستورات الهی است به بررسی نقش ایدئولوژی اسلامی در شکل گیری بینش و آگاهی های کارگزار، راهبردها و نقش های ملی و اهداف سیاست خارجی پرداخته می شود.

در فصل سوم عوامل و مسائل داخلی تأثیرگذار بر سیاست خارجی مورد بررسی قرار گرفته و نقش عواملی همچون پایان جنگ، مشکلات اقتصادی و نیازهای داخلی و تغییر نگرش تصمیم گیرندگان نسبت به مسائل داخلی و خارجی و تأثیر این مسائل بر ساختار نظام بین الملل و منطقه مورد تحلیل قرار گرفته است.

در فصل چهارم تغییرات در ساختار نظام بین الملل و منطقه و تأثیر آن بر سیاست خارجی ایران مورد بررسی قرار گرفته است و همچنین نقش امریکا در نظام جدید بین الملل بعد از پایان نظام دوقطبی و ایجاد محدودیت برای ایران تبیین شده است.

در فصل پنجم دگرگونی در رفتار سیاست خارجی ایران در چهارچوب رابطه تعاملی ساختار- کارگزار مطالعه می شود و در این فصل ضمن بیان موارد تحول و تغییر در سیاست خارجی و جهت گیری آن به بررسی آن با توجه به تحولات نظام بین الملل و موقعیت ایران در دوره پس از جنگ ایران و عراق پرداخته می شود. فصل آخر تحقیق نیز نتیجه گیری موضوع بیان شده است.